مطالعات تاریخ اسلام
سال سیزدهم/ شمارهٔ ۵۰/ پاییز ۱۴۰۰، مقاله علمی- پژوهشی، صفحات ۶۵-۹۰

:20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1

تأثیر خطبه‌های معاویه بر ایجاد انسجام لشگر شام در جریان نبرد صفین براساس رویکرد گفتمانی نورمن فرکلاف

سمیه بخشی‌زاده[۱]
سید علاءالدین شاهرخی[۲]
مجتبی گراوند[۳]
داریوش نظری[۴]
علی‌محمد ولوی[۵]

چکیده: نبرد صفین در صفر سال ۳۷ق. در سرزمین صفین که در ناحیهٔ غرب عراق بین رقه و بالس قرار دارد، میان امام علی(ع) در رأس سپاه کوفه و معاویهٔبن ابوسفیان به همراهی مردم شام به وقوع پیوست. یکی از نکات جالب توجه در این نبرد که تاکنون به لحاظ علمی چندان مورد بررسی قرار نگرفته، بحث یکدستی و هماهنگی سپاه شام در این نبرد است؛ امری که امام(ع) در خطبه ۲۵ *نهج‌البلاغه*، هنگام وصف سپاهیان شام به آن اشاره کرده و بیشتر منابع تاریخی نیز به آن اذعان کرده‌اند. نگارندگان پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی، به عنوان رویکردی بین‌رشته‌ای علوم اجتماعی که رابطهٔ بین زبان، قدرت، ایدئولوژی و گفتمان را مورد بررسی قرار می‌دهد، درصدد بررسی تأثیر سخنان معاویه بر این اتحاد و هماهنگی بوده‌اند. بر همین اساس، با استفاده از رویکرد نورمن فرکلاف با روش تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی سخنرانی‌های معاویه در خلال نبرد صفین و در میان شامیان پرداخته و آنها را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان دهندهٔ بهره‌برداری توأمان معاویه از سنت و دین برای تولید عوامل انگیزشی و وحدت‌آفرین در میان مردم شام طی نبرد صفین است.

واژه‌های کلیدی: نبرد صفین، امام علی(ع)، معاویه، تحلیل گفتمان، سنت، دین

---

۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان bakhshizadeh.so@fh.lu.ac.ir
۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول) shahrokhi.a@lu.ac.ir
۳ استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان garavand.m@lu.ac.ir
۴ استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان nazari.d@lu.ac.ir
۵ استاد گروه تاریخ دانشگاه الزهراء a.valavi@alzahra.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۰۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 13, No 50, Autumn 2021
Reserch Center For Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 65-90

The Effect of Mu'awiyah's Speech on the Coherence of the Syrian Army during the Battle of Siffin Using Norman Fairclough's Discourse Approach

Somayeh Bakhshizadeh[1]
Seyed Alaeddin Shahrokhi[2]
Mojtaba Ground[3]
Dariush Nazari[4]
Ali Mohammad valavi[5]

Abstract: The Battle of Siffin happened in the year 37 AH, in the land of Siffin located in the western part of Iraq between Raqqa and Bals. It was fought between Imam Ali (AS), the head of the Kufa army, and Mu'awiyah ibn Abu Sufyan, accompanied by the people of Sham (i.e. Syria). One of the important points of this battle that has not been studied methodologically so far is the unity and coherence of the Syrian Army. This issue has been mentioned by Imam Ali in Sermon No. 25 in *Nahj al-Balaghah* when describing the army of Syria. Furthermore, most historical sources acknowledged it. The present study uses the critical discourse analysis method - as an interdisciplinary approach in social sciences that examines the relationship between language, power, ideology and discourse - to understand the impact of Mu'awiyah's speech on this unity and cohesion. Therefore, the effect of Mu'awiyah's speeches on his army will be examined at three levels of description, interpretation and explanation. The results show that Mu'awiyah used both tradition and religion to produce motivating and unifying factors among the people of the Sham.

Keywords: Battle of Siffin, Imam Ali (AS), Mu'awiyah, discourse analysis, tradition, religion.

1 PhD student, Department of History, Lorestan University, Khorramabad, Iran. Bakhshizadeh.so@fh.lu.ac.ir
2 Associate Professor, Department of History, Lorestan University, Khorramabad, Iran (Corresponding Author) shahrokhi.a@lu.ac.ir.
3 Assistant Professor, Department of History, Lorestan University, Khorramabad, Iran. garavand.m@lu.ac.ir
4 Assistant Professor, Department of History, Lorestan University, Khorramabad, Iran. nazari.d@lu.ac.ir
5 Professor, Department of History, Al-Zahra University, Tehran, Iran. a.valavi@alzahra.ac.ir
Received: 2021/01/26 Accepted: 2021/07/11

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

مقدمه

هماهنگی و یکدستی مردم شام در اطاعت از معاویه و ایستادگی در مقابل خلیفهٔ وقت، یکی از ویژگی‌های بارز نبرد صفین بوده است؛ امری که امام علی(ع) در خطبه ۲۵ *نهج‌البلاغه* آن را این‌گونه مورد اشاره قرار داده است: «به من خبر رسیده که بسربن ارطاة بر یمن تسلط یافته است. سوگند به خدا می‌دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند کرد؛ زیرا آنها در یاری کردن باطل خود وحدت دارند و شما در دفاع از حق متفرّقید. شما امام خود را در حق نافرمانی کرده و آنها امام خود را در باطل فرمان‌بردارند. آنها نسبت به رهبر خود امانت‌دار و شما خیانت‌کارید؛ آنها در شهرهای خود به اصلاح و آبادانی مشغول‌اند و شما به فساد و خرابی. (آن‌قدر فرومایه‌اید که) اگر من کاسهٔ چوبی آب را به یکی از شماها امانت دهم، می‌ترسم که بند آن را بدزدید» (سید رضی، ۱۳۷۹: ۷۳). عمده دلایل این هماهنگی و یکدستی را می‌توان در عواملی مانند فتح این منطقه توسط معاویه و برادرش یزیدبن أبی‌سفیان و آشنایی مردم آنجا با اسلام از طریق آنان، بیش از دو دهه سلطهٔ معاویه بر مردم آنجا و تربیت سیاسی آنها به منظور فرمان‌برداری محض و همچنین تجربه مردم منطقه از حکومت‌های استبدادی امپراتوران روم که لازمهٔ آن اطاعت محض بود، برشمرد. البته آنچه تاکنون در مجموعه این دلایل مورد غفلت قرار گرفته، تأثیر قدرت زبان و ایدئولوژی به کار رفته توسط معاویه بر ایجاد این هماهنگی است.

بررسی این نوع از ارتباط منوط به استفاده از روش‌های نسبتاً نوین تحقیقی مانند تحلیل گفتمان است؛ که بنا بر یک تعریف مقدماتی، آن را شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن دربارهٔ جهان و فهم آن (یا فهم یکی از وجوه آن) دانسته‌اند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸). اصطلاح گفتمان همچنین به شکلی از کاربرد زبان، مثلاً در یک سخنرانی و یا حتی به‌طور کلی‌تر به زبانِ گفتاری یا شیوهٔ سخن گفتن اشاره دارد. علاوه بر این، گفتمان‌کاوان بر آن‌اند که مؤلفه‌های اساسی دیگری نظیر اینکه چه کسی، چگونه، چرا و چه وقت به کاربرد زبان روی می‌آورد را به مفهوم گفتمان اضافه کنند (ون‌دایک، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۷). گفتمان به هر صورت یک بُعد بنیادین دیگر نیز دارد و آن اینکه پدیده‌ای عملی، اجتماعی و فرهنگی نیز است. کاربران زبان وقتی در یک گفتمان مشارکت می‌کنند، درواقع کنشی اجتماعی انجام

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

می‌دهند و در تعاملی اجتماعی شرکت می‌کنند. این کنش خود در بستر زمینه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد (همو، همان، ۸۰). بنابراین می‌توان گفت تحلیل گفتمان یا گفتمان کاوی، ایجاد سازوکار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین ارتباط گفته یا متن با کارکردهای فکری-اجتماعی آن است (یاراحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

از میان رویکردهای مختلف به تحلیل گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی نظریه‌ها و روش‌هایی برای مطالعهٔ تجربی روابط میان گفتمان و تحولات اجتماعی و فرهنگی قلمروهای مختلف اجتماعی در اختیارمان قرار می‌دهد. این جنبش از رویکردهای متعددی تشکیل شده است که در میان رویکردهای مختلف به آن، می‌توان پنج ویژگی یا ایدهٔ مشترک را یافت. ۱. خصلت ساختارها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی تا حدی زبانی-گفتمانی است. ۲. گفتمان هم تأسیس کننده و هم تأسیس‌شده است. ۳. استفاده از زبان باید در درون بافت اجتماعی‌اش تحلیل شود. ۴. کارکردهای گفتمان، ایدئولوژیک است. ۵. تحلیل گفتمان انتقادی مقید به پژوهش انتقادی با هدف رهایی‌بخشی است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۱۵). رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی با وجود این اشتراکات، تفاوت‌هایی هم دارند که این تفاوت‌ها سبب می‌شود از قابلیت‌های یکسانی برای تحلیل متن برخوردار نباشند (همان، همان‌جا).

در پژوهش حاضر با توجه به اهداف در نظر گرفته‌شده برای آن، از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده شده است. رویکرد فرکلاف متشکل از مجموعه‌ای از مفروضات فلسفی، روش‌های نظری، دستورالعمل‌های روش‌شناختی و فنون خاص تحلیل زبانی است (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۰۹) و نوعی تحلیل گفتمان متن‌محور است که تلاش می‌کند سه سنت را با یکدیگر تلفیق کند. تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزهٔ زبان‌شناسی؛ تحلیل جامعه‌شناختی کلان پرکتیس اجتماعی؛ و سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی (همو، همان، ۱۱۷). با توجه به توضیحات فوق سؤالی که نگارندگان این پژوهش به دنبال پاسخ آن‌اند، چگونگی استفاده معاویه از ابزار زبان است. اینکه معاویه چگونه زبان را برای هماهنگ کردن مردم تحت سلطهٔ خود به کار گرفت؟ و در این مسیر از چه ایدئولوژی‌هایی بهره برد؟

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

پاسخ به این پرسش‌ها و استفاده از روش تحلیل گفتمان، نیازمند دسترسی محقق به متن سخنرانی‌های معاویه در میان مردم شام در جریان نبرد صفین است؛ که رسیدن به این مهم از طریق مراجعه به کتاب *وقعة الصفین* اثر نصربن مزاحم منقری میسر شد. ناگفته نماند که متن این سخنرانی‌ها به صورت پراکنده در دیگر آثار تاریخی بیان شده است، اما کتاب نصربن مزاحم به دلیل نزدیکی زمان نگارش به زمان وقوع حادثه و تک‌نگاری در مورد این واقعه، جزئیات مرتبط با این واقعه را به صورت مفصل‌تر ارائه داده است. از این رو، با مطالعهٔ این کتاب پنج خطبهٔ معاویه که چهار مورد آن قبل از پیکار صفین و خطبهٔ پنجم هنگام پیکار ایراد شده بود، شناسایی شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

گفتنی است تاکنون اثری با رویکرد پژوهش حاضر، حول محور واقعهٔ صفین به رشته تحریر درنیامده است، اما برخی از آثار که می‌توان آنها را به لحاظ موضوع پژوهش یا روش به کار برده شده، به عنوان پیشینهٔ کار معرفی کرد عبارت است از: مقالهٔ «بررسی گفتمان انتقادی در نهج‌البلاغه براساس نظریهٔ نورمن فرکلاف (مطالعه موردی: توصیف کوفیان) نوشتهٔ علی‌اکبر محسنی و نورالدین پروین (۱۳۹۴)؛ مقالهٔ «پژوهشی در مسیر امام علی(ع) به صفین و محل جنگ صفین» نوشتهٔ احمد خامه‌یار (۱۳۹۰)؛ مقالهٔ «صفین در تاریخ‌نگاری ابن‌أبی‌الحدید» اثر علی ناظمیان‌فرد (۱۳۹۴)؛ مقالهٔ «محورهای همگرایی نیروهای متخاصم در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان» نوشتهٔ سیده سوسن فخرایی (۱۳۸۸)؛ مقالهٔ «تأثیر کشتار صفین بر گسترش قاعدین (از اعتراض به اربد فزاری تا انتخاب ابوموسی اشعری)» نوشتهٔ علی‌اکبر عباسی و هادی وکیلی (۱۳۹۲)؛ مقالهٔ «عملکرد فرماندهان نظامی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در سرنوشت پیکار صفین (مقایسه موردی: مالک اشتر و اشعث‌بن قیس) نوشتهٔ جهانبخش ثواقب و زینب بیرانوند (۱۳۹۵)؛ مقالهٔ «الخطاب الشعری فی معرکة صفین و فی مواجهة الطغیان الذی تلاها» نوشتهٔ عبدالمجید زراقط (۱۴۱۸) و غیره.

متن سخنرانی‌ها

خطبه ۱: بعد از شنیدن خبر کشته شدن عثمان

«یا أهل الشام قد علمتم أنی خلیفة أمیر المؤمنین عمر بن الخطاب و خلیفة عثمان (a)* و قتل مظلوما (b)* و قد تعلمون أنی ولیه (c)* و الله یقول فی کتابه – وَ من

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِيِّهِ سُلْطاناً ۱۷: ۳۳(d) * و أنا أحب أن تعلمونی ما فی أنفسکم من قتل عثمان (e)*» (ابن‌مزاحم، ۱۳۸۲: ۸۱).

خطبه ۲: بعد از رفتن «جریر» سفیر حضرت علی(ع) به شام

«الحمد لله الذی جعل الدعائم للإسلام أرکانا و الشرائع للإیمان برهانا (a)* یتوقد قبسه فی الأرض المقدسة (b)* التی جعلها الله محل الأنبیاء و الصالحین من عباده (c)* فأحلها أهل الشام (d)* و رضیهم لها و رضیها لهم (e)* لما سبق من مکنون علمه من طاعتهم و مناصحتهم خلفاءه و القوام بأمره و الذابین عن دینه و حرماته (f)* ثم جعلهم لهذه الأمة نظاما و فی سبیل الخیرات أعلاما (g)* یردع الله بهم الناکثین (h)* و یجمع بهم ألفة المؤمنین (i)* و الله نستعین علی ما تشعب من أمر المسلمین بعد الالتئام و تباعد بعد القرب (j)* اللهم انصرنا علی أقوام یوقظون نائمنا و یخیفون آمننا و یریدون هراقة دمائنا و إخافة سبیلنا (k)* و قد یعلم الله أنا لم نرد بهم عقابا و لا نهتک لهم حجابا و لا نوطئهم زلقا (L)* غیر أن الله الحمید کسانا من الکرامة ثوبا لن ننزعه طوعا ما جاوب الصدی و سقط الندی و عرف الهدی حملهم علی خلافنا البغی و الحسد (m)* فالله نستعین علیهم (n)* أیها الناس قد علمتم أنی خلیفة أمیر المؤمنین عمر بن الخطاب (o)* و أنی خلیفة عثمان بن عفان علیکم (p)* و أنی لم أقم رجلا منکم علی خزایة قط (q)* و أنی ولی عثمان (r)* و قد قتل مظلوما (s)* و الله یقول وَ من قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِيِّهِ سُلْطاناً فَلا يُسْرِفْ فی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً ۱۷: ۳۳ (t)*و أنا أحب أن تعلمونی ذات أنفسکم فی قتل عثمان»(U)* (ابن‌مزاحم، ۱۳۸۲: ۳۱-۳۲).

خطبه ۳: سخنان معاویه نزد شرحبیل

فتکلم معاویة فحمد الله و أثنی علیه ثم قال: یا شرحبیل إن جریر بن عبد الله یدعونا إلی بیعة علی (a)* و علی خیر الناس لو لا أنه قتل عثمان بن عفان (b)* و قد حبست نفسی علیک (c)* و إنما أنا رجل من أهل الشام أرضی ما رضوا و أکره ما کرهوا (d)* (ابن‌مزاحم، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۷).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

خطبه ۴: خطبه معاویه برای مردم شام بعد از شنیدن حضور سپاهیان امام در نخیله

خطب معاویة أهل الشام فقال: یا أهل الشام قد کنتم تکذبونی فی علی (a)* و قد استبان لکم أمره (b)* و الله ما قتل خلیفتکم غیره (c)* و هو أمر بقتله و ألب الناس علیه و آوی قتلته و هم جنده و أنصاره و أعوانه (d)* و قد خرج بهم قاصدا بلادکم و دیارکم لإبادتکم (e)* یا أهل الشام الله الله فی عثمان فأنا ولی عثمان (f)* و أحق من طلب بدمه (g)* و قد جعل الله لولی المظلوم سلطانا (k)* فانصروا خلیفتکم المظلوم (L)* فقد صنع به القوم ما تعلمون قتلوه ظلما و بغیا (m)* و قد أمر الله بقتال الفئة الباغیة حَتَّى تَفِیءَ إِلى أَمْرِ اللَّهِ ۴۹: ۹ (n)* (ابن‌مزاحم، ۱۳۸۲: ۱۲۷–۱۲۸).

خطبه ۵: خطبه معاویه برای مردم شام قبل از پیکار بزرگ و اصلی در صفین

فقال: الحمد لله الذی علا فی دنوه و دنا فی علوه و ظهر و بطن و ارتفع فوق کل منظر أولا و آخرا و ظاهرا و باطنا یقضی (a)* فیفصل و یقدر فیغفر (b)* و یفعل ما یشاء (c)* إذا أراد أمرا أمضاه (d)* و إذا عزم علی أمر قضاه (e)* لا یؤامر أحدا فیما یملک (f)* و لا یُسْئَلُ عَمَّا یَفْعَلُ وَ هُمْ یُسْئَلُونَ ۲۱: ۲۳–(g)* وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ ۳۷: ۱۸۲ علی ما أحببنا و کرهنا (h)* ثم کان فیما قضی الله أن ساقتنا المقادیر إلی هذه البقعة من الأرض (i)* و لف بیننا و بین أهل العراق (j)* فنحن من الله بمنظر (k)* و قد قال سبحانه: وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَ لکِنَّ اللَّهَ یَفْعَلُ ما یُرِیدُ ۲: ۲۵۳ (L)* انظروا یا معاشر أهل الشام فإنما تلقون غدا أهل العراق (n)* فکونوا علی إحدی ثلاث أحوال (o)* إما أن تکونوا قوما طلبتم ما عند الله فی قتال قوم بغوا علیکم فأقبلوا من بلادهم حتی نزلوا فی بیضتکم (p)* و إما أن تکونوا قوما تطلبون بدم خلیفتکم و صهر نبیکم ص (q)* و إما أن تکونوا قوما تذبون عن نسائکم و أبنائکم (R)* فعلیکم بتقوی الله و الصبر الجمیل (S)* أسأل الله لنا و لکم النصر و أن یفتح بَیْنَنا وَ بَیْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ ۷: ۸۹ (T)* و هو خیر الفاتحین (U)* (ابن‌مزاحم، ۱۳۸۲: ۲۹۶).

توصیف

«توصیف» اولین سطح از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است که در آن خُردلایه‌هایی از جمله ویژگی‌های ظاهری و ملموس متن همچون واژگان، جملات و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

ساختار متن مورد توجه قرار می‌گیرد. در این منظومهٔ گفتمانی، متن خطبه‌ها، نودال پوینت‌ها یا گره‌گاه‌های گفتمانی دال‌های قتل عثمان، اهالی شام، یاران علی، معاویه و علی‌بن أبی‌طالب(ع) می‌باشند که محوریت با دال مرکزی «قتل عثمان» است.

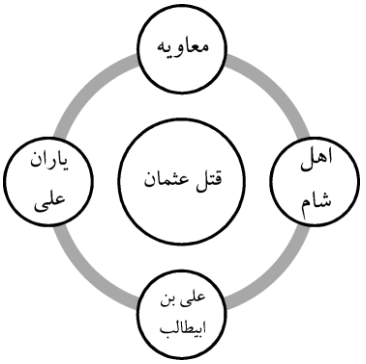

قتل عثمان به عنوان دال یا عنصر اصلی در این عرصهٔ گفتمانی با مفاهیم «قتل مظلوماً»،[۱] «قد قتل مظلوما»،[۲] «الله الله فی عثمان»[۳] مشخص شده است. عبارات «قتل مظلوما»،[۴] «قد قتل مظلوما»[۵] که چندین بار در متن مورد استفاده قرار گرفته، با حذف نهاد و قرار گرفتن فعل در بخش نخست جمله، بر اهمیت عمل انجام‌شده تأکید دارد. قید مظلوم در کنار فعل «قتل» علاوه بر اینکه عمل را نادرست توصیف می‌کند، آن را یک عمل وحشتناک به تصویر می‌کشد. آرایه تکرار در عبارت «یا أهل الشام الله الله فی عثمان فأنا ولی عثمان»[۶] با دو بار به کار بردن واژهٔ «الله» برای تأکید بیشتر بر روی مظلوم کشته شدن عثمان به کار برده شده است.

از دیگر ویژگی‌های متن در سطح توصیف، تقابل دوبه‌دو میان گره‌گاه‌ها یا دال‌های مرکزی است؛ که در راستای سیاست معاویه در ایجاد دو گروه ما و آنها است؛ و به دو صورت تقابل دال اهالی شام با دال یاران امام علی(ع) و همچنین دال‌های معاویه و امام علی(ع) خود را نشان می‌دهد. مخاطبان معاویه بارها با عباراتی همچون «یا اهل شام»[۷] و «یا معاشر اهل شام»[۸] مورد خطاب قرار گرفتند و

۱ خ ۱(b).
۲ خ ۲(s).
۳ خ ۵(f).
۴ خ ۱(b).
۵ خ ۲(s).
۶ خ ۵(f).
۷ خ ۱(a)، خ ۴(a)، خ ۴(f).
۸ خ ۵(n).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

به سرزمینی خاص منسوب شدند؛ سرزمینی که با عبارات یا دال‌هایی همچون «محل برافروختن شراره‌های الهی»،[۱] «سرزمین مقدس»،[۲] «قرارگاه پیامبران»،[۳] «قرارگاه بندگان صالح خدا»[۴] از آن نام برده می‌شود؛ و بدین ترتیب از دیگر مناطق جهان اسلام جدا می‌شود و برتری می‌یابد. دال اصلی اهالی شام نیز به همراه مفاهیمی چون فرمان‌بردار و خیرخواه نسبت به خلفای خویش،[۵] استوار نگهدارندهٔ امر خدا و بی‌آرام و قرار در راه گرامی‌داشت دین خدا،[۶] مدار نظام امور امت،[۷] نمونه نیکی‌ها،[۸] پوشانندهٔ لباس عزت و کرم از سوی خدا،[۹] اهل صلح،[۱۰] دور رانندهٔ پیمان‌شکنان،[۱۱] ایجاد کنندهٔ همبستگی میان مؤمنان،[۱۲] خون‌خواه خلیفه و داماد پیامبر(ص)[۱۳] و گروهی که از زن و فرزندان خویش حمایت می‌کنند؛[۱۴] که برگرد آن مفصل‌بندی شده‌اند، در مقابل دال یاران علی‌بن أبی‌طالب(ع) که با مفاهیمی همچون سرکش، حسود، مخالف ما، گروهی که خواب راحت از خفتگان ما ربوده،[۱۵] [گروهی] که آسودگی بیداران ما را سلب کرده،[۱۶] [گروهی] که آهنگ ریختن خون ما را کرده،[۱۷] [گروهی] که از پیمودن راه خود ما را هراسان کردند،[۱۸] قومی که بر شما ستم راندند و از شهرهای خود به دیار شما هجوم آوردند و در سرایتان فرود آمده‌اند،[۱۹] قاتلان عثمان[۲۰] مفصل‌بندی شده است، قرار می‌گیرند.

کاربرد آشکار و مستتر ضمیر اول شخص مفرد در دو قالب «أنی» و «أنا» به صورت مکرر توسط معاویه باعث می‌شود که خود او به عنوان یکی از گره‌گاه‌های متن خطبه‌ها به حساب آید. در بررسی دال‌های مفصل‌بندی شده برگرد این گره‌گاه، نکاتی چند حائز اهمیت است. اصطلاحاتی همچون «إنّی خلیفة أمیرالمؤمنین عمربن الخطاب»،[۲۱] «أنّی خلیفة عثمان‌بن عفان علیکم»[۲۲] و «أنّی ولیّ عثمان»[۲۳] نشان دهندهٔ

۱ خ ۲(b).
۲ خ ۲(b).
۳ خ ۲(c).
۴ خ ۲(c).
۵ خ ۲(f)
۶ خ ۲(f)
۷ خ ۲(g)
۸ خ ۲(g)
۹ خ ۲(n)
۱۰ خ ۲(L)
۱۱ خ ۲(h)
۱۲ خ ۲(i)
۱۳ خ ۵(q)
۱۴ خ ۵(R)
۱۵ خ ۲(K)
۱۶ خ ۲(K)
۱۷ خ ۲(K)
۱۸ خ ۲(K)
۱۹ خ ۵(p)
۲۰ خ ۴(d)
۲۱ خ ۱(a)، خ ۲(o).
۲۲ خ ۲(p).
۲۳ خ ۱(c)، خ ۲(r)، خ ۴(f).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

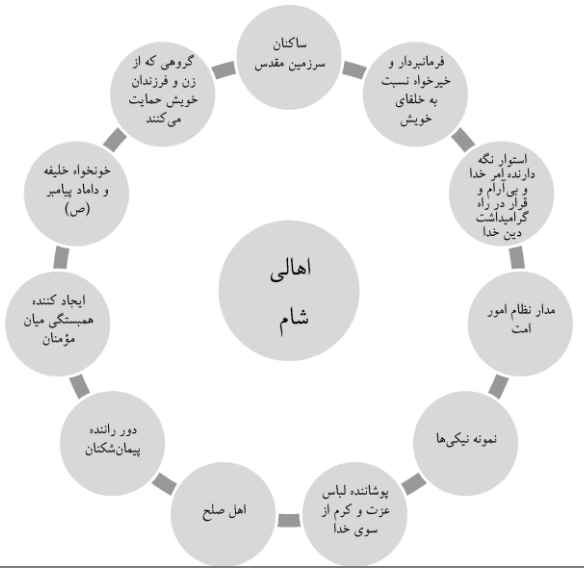

اهالی شام

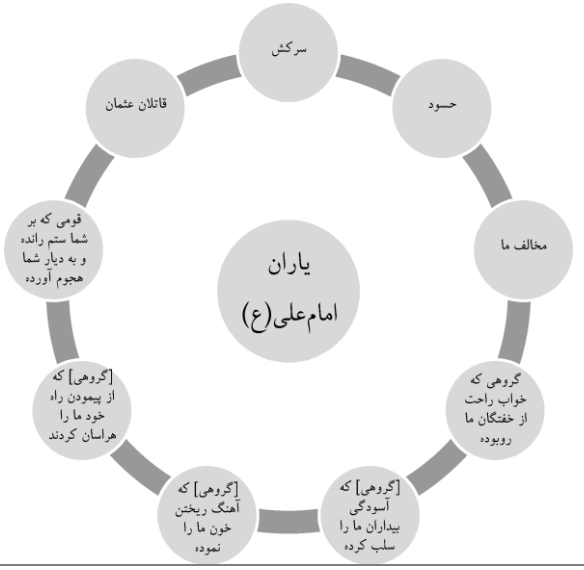

یاران علی‌بن أبی‌طالب(ع)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

تلاش گوینده برای شناساندن جایگاه خود به مخاطب یا یادآوری آن برای بزرگ جلوه دادن خود نزد اوست. معاویه همچنین با استفاده از گزاره‌های «أنّی لم أقم رجلاً منکم علی خزایة قط»[۱] و «أنا رجل من أهل الشام»[۲] و نیز «و إنّما أنا رجل من أهل الشام أرضی ما رضوا و أکره ما کرهوا»[۳] جایگاه خود و مخاطب را یکسان قرار می‌دهد. کسی که راضی است به آنچه آنها رضایت دهند و اکراه دارد از آنچه آنها اکراه دارند. بدین ترتیب، تفاوتی میان خود و آنها قائل نمی‌شود. عبارت «و قد حبست نفسی علیک»[۴] که معاویه در مقابل «شرحبیل» یکی از بزرگان شام به کار می‌برد، خود نیز تأییدی بر این امر است. معاویه همچنین در گزارهٔ «وَ أنا أحب أن تعلمونی ما فی أنفسکم من قتل عثمان»[۵] از مخاطبان خواست به‌طور فعال در این بحث شرکت کنند و نظر خود را بگویند. بدین ترتیب، مشاهده می‌شود که او به سه طریق خود را معرفی کرده است؛ اشاره به خویشاوندی با عثمان و اینکه شایسته‌ترین کس برای گرفتن قصاص خون اوست، برگزیدهٔ عمربن خطاب و عثمان‌بن عفان برای استانداری شام بوده؛ و مردی از اهالی شام است که در مدت بیش از بیست سال استانداریش در شام مردم آنجا را هرگز به کار زشتی وا نداشته است. علی‌بن أبی‌طالب نیز با دال‌هایی همچون «علی خیر الناس لو لا أنه قتل عثمان‌بن عفان و الله ما قتل خلیفتکم غیره»، «هو أمر بقتله و ألب الناس علیه و آوی قتلته و هم جنده و أنصاره و أعوانه»[۶] و «قد خرج بهم قاصداً بلادکم و دیارکم لإبادتکم»[۷] به تصویر کشیده شده است. شخصی که قاتل عثمان است و در پی از بین بردن شامیان و متواری کردن آنهاست. بدین شکل این دو در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند.

تفسیر

فرکلاف بر این باور است که «تفاسیر» منبعث از ترکیبی است از «آنچه در متن آمده» و «آنچه در ذهن مفسر وجود دارد» (Fairclough, 1996: 141). مرحلهٔ تفسیر دربردارندهٔ بررسی بافت‌های موقعیتی و بینامتنی است. از دید او، تعیین‌کنندگی

۱ خ ۲(q).
۲ خ ۳(d).
۳ خ ۳(d).
۴ خ ۳(c).
۵ خ ۱(e).
۶ خ ۴(d).
۷ خ ۴(e).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

زمینه موقعیتی وابسته به موقعیت است و موقعیت نوع گفتمان را مشخص می‌کند. بررسی موقعیت نیز ریشه در «چیستی ماجرا»، «طرف‌های درگیر در ماجرا»، «روابط میان افراد درگیر در ماجرا» و در نهایت «نقش زبان» دارد (Fairclough, 1996: 146-149). در بررسی بینامتنیت به زمینه‌های مشترک و پیش‌فرض‌های مشارکان توجه می‌گردد. به سخن دیگر، متن از دریچهٔ تاریخی نگریسته می‌شود (Fairclough, 1996: 152). با توجه به سخنان فوق، در این پژوهش در سطح تفسیر علاوه بر توضیح در مورد شرایط ایجاد متن، بافت متن، زمان و مکان تولید متن و مشارکان متن، تلاش می‌شود به چگونگی استفادهٔ معاویه از بافت بینامتنی قرآنی برای همراه کردن مردم شام با سیاست‌های خود پرداخته شود.

بافت موقعیتی

متن سخنرانی‌ها به لحاظ زمانی در سال ۳۶ق. و قبل و هنگام وقوع نبرد صفین ایراد شدند؛ هنگامی که عثمان سومین خلیفه مسلمانان به دست معترضان و به دلیل انجام اقدامات مخالف با اصول اسلام، سیره پیامبر(ص) و همچنین سیره خلفای قبل از خود کشته شده بود (طبری، ۱۹۶۷: ۳۶۵/۴؛ ابن‌خلدون، ۱۹۸۸: ۵۹۳/۲). مرگ عثمان موجبات انتخاب جانشین او را فراهم آورد. در این هنگام بیشتر صحابه و مسلمانان معترض با علی‌بن أبی‌طالب به عنوان خلیفه بیعت کردند (ابن‌سعد، ۱۹۹۰: ۲۲/۳؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۹۹۱: ۴۳۴/۲)، اما طولی نکشید که گروهی از آنها به سرکردگی طلحه و زبیر بیعت خود را شکستند و به همراه عایشه همسر پیامبر(ص) علیه خلیفهٔ وقت شورش کردند؛ امری که موجب شکل‌گیری نبرد جمل شد (مسکویه رازی، ۱۳۷۹: ۴۶۸/۱). نبردی که در آن برای نخستین بار مسلمانان در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و پیروزی این نبرد با سپاه علی‌بن أبی‌طالب بود. مقارن با این وقایع، معاویه حاکم شام بود. او در زمان ابوبکر به همراه برادرش یزیدبن أبی‌سفیان در صدر سپاهی به فتح شام فرستاده شد. یزید از سوی ابوبکر به حکمرانی و ولایت آنجا برگزیده شد (یعقوبی، [بی‌تا]: ۱۳۳/۲). پس از مرگ ابوبکر و جانشینی عمربن خطاب، خلیفهٔ جدید او را در حکمرانی دمشق ابقا کرد و فلسطین و نواحی اطراف آن را نیز بر قلمرو وی افزود. یزید در سال ۱۸ق. درگذشت و برادرش معاویه جای

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

او را گرفت (طبری، ۱۹۶۷: ۳۶۷/۳). پس از مرگ عمر، عثمان نیز معاویه را در جای خود ابقا کرد (طبری، ۱۹۶۷: ۲۸۹/۴).

زمانی که علی‌بن أبی‌طالب به خلافت رسید، بر آن شد تا عبدالله‌بن عباس را به حکومت شام بفرستد. علی‌بن أبی‌طالب نامه‌ای به معاویه نوشت و ضمن آگاه کردن او از این امر که مردم بدون مشورت او عثمان را کشتند، اما اکنون از روی مشورت او را به خلافت انتخاب کرده اند، از او خواست همراه با اشراف شام به مدینه بیاید، اما معاویه نپذیرفت. ماجرای مخالفت معاویه با آغاز مسئلهٔ نبرد جمل همراه شد که خلیفه وقت را برای مدتی به خود مشغول داشت. پس از فراغت علی‌بن أبی‌طالب از نبرد جمل، وی بار دیگر از معاویه خواست از حکومت شام کناره بگیرد، اما او با استناد به شورش طلحه، زبیر و عایشه -به عنوان همسر پیامبر(ص)- و به بهانهٔ دخالت علی(ع) در قتل عثمان از این امر سرباز زد؛ که موجب جمع‌آوری سپاه توسط علی‌بن أبی‌طالب و حرکت به سمت شام شد. در این زمان معاویه به بهانه‌های مختلف و عمدتاً در شهر دمشق -سخنرانی پنجم در منطقهٔ صفین و بین سپاهیان شام ایراد شد- در حضور ساکنان این منطقه به سخنرانی پرداخت و مردم را به بسیج علیه سپاه کوفه فرا خواند. بدین ترتیب، معاویه به عنوان حاکم سرزمین شام از سوی سه خلیفهٔ نخست و حاکم عزل شده توسط خلیفه وقت و ساکنان سرزمین شام را می‌توان مشارکان متن یا طرف‌های درگیر در این سخنرانی‌ها معرفی کرد. بافت موقعیتی جالب توجه و قابل ذکر دیگر هنگام این سخنرانی‌ها، استفاده از برخی وسایل و صحنه‌سازی‌هاست. وسایلی همچون پیراهن خونین عثمان (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۴۲؛ دینوری، ۱۹۹۰: ۱۰۳/۱؛ طبری، ۱۹۶۷: ۴۴۴/۴) و انگشت‌های قطع‌شدهٔ نائله همسر عثمان (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۲۷۷/۳) که بنا به اذعان منابع درحالی‌که گروهی از افراد اطراف آن گریه می‌کردند، در صحنهٔ سخنرانی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

بافت بینامتنی

یکی از زمینه‌ها و پیش‌فرض‌های مهم و مشترک میان مشارکان این سخنرانی‌ها، معاویه و اهالی شام، دین اسلام و قرآن است؛ بنابراین شاهدیم که معاویه برای صحه گذاشتن بر درستی سخنان خود به صورت مکرر معاویه آیات قرآن استفاده کرده

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

است. استفادهٔ بینامتنی از آیهٔ ۳۳ سورهٔ الإسراء و استناد به آن برای نشان دادن سند درستی سخنان خود، یکی از این موارد است. معاویه دو بار با ذکر عبارت «الله یقول» به این آیه اشاره کرده است.[۱] متن آیه از سه گزاره تشکیل شده است.

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ «و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به‌حق مکشید»؛

﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِیِّهِ سُلْطَانًا﴾ «و هر کس مظلوم کشته شود به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم»؛

﴿فَلَا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کَانَ مَنْصُورًا﴾ «پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است».

با توجه به شکل استفادهٔ معاویه از این آیه می‌توان فهمید که او تکیه و تأکید کلام را بر گزارهٔ دوم آیه گذاشته و سعی کرده بود توجه مردم را بدان جلب کند؛ زیرا هر دو بار گزارهٔ نخست به عمد حذف شده و در خطبه اول نیز گزاره سوم حذف شده و فقط قسمت میانی آیه را بیان کرده است. بدین شکل، معاویه توجه مخاطب را در تفکر به این قسمت از آیه و اینکه آیا عثمان به‌حق کشته شده یا ناحق، باز می‌دارد.

معاویه همچنین در پنجمین خطبهٔ خود از آیات ۲۳ سورهٔ الأنبیاء ﴿لا یُسْأَلُ عَمَّا یَفْعَلُ وَهُمْ یُسْأَلُونَ﴾: در آنچه [خدا] انجام می‌دهد چون و چرا راه ندارد و [لی] آنان [=انسانها] سؤال خواهند شدو ۱۸۲ سورهٔ صافات ﴿وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ﴾: و ستایش ویژه خدا پروردگار جهان‌هاست» با اضافه کردن این عبارت «علی ما أحببنا و کرهنا» استفاده کرده و در کنار آنها عباراتی نظیر «یقضی فیفصل و یقدر فیغفر»،[۲] «و یفعل ما یشاء»،[۳] «إذا أراد أمرا أمضاه»،[۴] «و إذا عزم علی أمر قضاه»[۵] و «لا یؤامر أحدا فیما یملک»[۶] را به کار گرفته و انجام همهٔ امور را به خواست خداوند مربوط دانسته است. طی عبارات «ثم کان فیما قضی الله أن ساقتنا المقادیر إلی هذه البقعة من الأرض»،[۷] «و لف بیننا و بین أهل العراق»[۸] و «فنحن من الله بمنظر»[۹] حضور

۱ خ ۱(d)؛ خ ۲(t).
۲ خ ۵(a).
۳ خ ۵(c).
۴ خ ۵(d).
۵ خ ۵(e).
۶ خ ۵(f).
۷ خ ۵(i).
۸ خ ۵(j).
۹ خ ۵(k).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

در منطقهٔ صفین و رویارویی با سپاه عراقیان را جزو خواست‌های خداوند معرفی کرده که هیچ‌کس را یارای مقاومت در برابر آنها نیست.

او همچنین در خطبهٔ پنجم با آوردن عبارت ﴿یفتح بَیْنَنا وَ بَیْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ﴾ به آیه ۸۹ سورهٔ اعراف اشاره کرده است. این بخش از آیه که معاویه به آن استناد کرده، قسمتی از سخنان شعیب در مقابل قوم خویش است.[۱] معاویه با استفاده از این آیه خود و یارانش را مصداق شعیب و علی‌بن أبی‌طالب و یاران او را به مانند قوم شعیب که قصد بیرون راندن آنها از دیارشان را داشتند، توصیف می‌کند.

استفادهٔ دیگر معاویه از آیات قرآن به عنوان متن بینامتنی، در خطبهٔ چهارم هنگام شنیدن خبر حضور سپاهیان حضرت علی(ع) در نخیله است. او مردم را جمع کرده و برای آنها به ایراد سخنرانی پرداخت. او در مقابل مخاطبان به آیه ۹ سورهٔ حجرات ﴿و قد أمر الله بقتال الفئة الباغية حَتَّى تَفِيءَ إِلى أَمْرِ الله﴾ اشاره کرد و با استفاده از این آیه اوضاع جامعه را به شکلی نشان داد که در آن دو گروه از مؤمنان روبه‌روی یکدیگر ایستاده‌اند که یک گروه بر گروه دیگر تعدی و دست‌درازی می‌کند و در این بین مطابق آیات الهی وظیفهٔ دیگر مؤمنان و مسلمانان (معاویه + شامیان) جنگیدن با گروه تعدی‌گر است. او همچنین با استفاده از عبارت «و قد أمر الله»، بر اینکه اعمال و سخنان او به منظور اجرای اوامر و دستورات خداوند است، تأکید کرده است. درحالی‌که در این سخنرانی بخش‌هایی از این آیه حذف شده است. قسمت نخست ﴿وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾: اگر دو طایفه از مؤمنان باهم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید» که به اهمیت تلاش برای ایجاد صلح میان دو گروه متخاصم پرداخته و قسمت انتهایی ﴿فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾: پس اگر بازگشت میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد» که بر انجام داوری عادلانه بین دو گروه تأکید کرده است. بدین ترتیب، در خطبهٔ چهارم شامیان در جایگاه مجری

۱ زمانی که قوم او در مقابلش تکبر ورزیدند و گفتند ای شعیب، تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند، از شهر خودمان بیرون خواهیم کرد یا به کیش ما برگردید، گفت آیا هرچند کراهت داشته باشیم. اگر بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، [باز] به کیش شما برگردیم، در حقیقت به خدا دروغ بسته‌ایم و ما را سزاوار نیست که به آن بازگردیم؛ مگر آنکه خدا پروردگار ما بخواهد [که] پروردگار ما از نظر دانش بر هر چیزی احاطه دارد. بر خدا توکل کرده‌ایم. بار پروردگارا! میان ما و قوم ما به‌حق داوری کن که تو بهترین داورانی (سورهٔ اعراف، آیه ۸۸-۸۹).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

احکام خداوند برای نجات جهان اسلام و سر جا نشاندن گروه یاغی قرار گرفتند؛ و در خطبهٔ پنجم آنها گروهی‌اند که مورد تجاوز قرار گرفتند و تجاوزگرانی قصد دارند آنها را از خانه و کاشانه‌شان برانند؛ پس باید پایداری و مقاومت کنند.

تبیین

گام سوم در روش فرکلاف «تبیین» است. هدف از تبیین آن است که یک گفتمان به مثابه بخشی از یک فرایند اجتماعی و یک عمل یا کردار اجتماعی به تصویر کشیده شود. این تصویر حکایت از آن دارد که چگونه گفتمان‌ها توسط ساختارهای اجتماعی معین می‌شوند و چه تأثیرات بازتولیدی (اعم از تغییر یا حفظ) می‌توانند بر این ساختارها بگذارند (Fairclough, 1996: 163). این مرحله در مقایسه با دو مرحله قبل در مرتبه‌ای ژرف‌تر قرار دارد؛ زیرا زوایای کاملاً پنهان علت تولید متن را نمایان می‌سازد.

گفتنی است قبل از پرداختن به این مهم، نیاز به ارائهٔ تعریفی از ایدئولوژی ضروری به نظر می‌رسد. درواقع، ایدئولوژی‌ها تعریف هویت گروهی‌اند که اعضا در آنها اشتراک دارند و این امکان را برای اعضا میسر می‌کنند تا اعمال خود را نسبت به سایر گروه‌ها هماهنگ سازند (ون‌دایک، ۱۳۸۷: ۱۲۷). آنها در خدمت حل مسئلهٔ هماهنگی اعمال افراد عضو گروه‌های اجتماعی‌اند. وقتی اعضای یک گروه ایدئولوژی مشترکی داشته باشند، آنها به‌طور کلی در شرایط مشابه رفتار مشابه خواهند داشت و می‌توانند در انجام وظایف مشترک همکاری کنند. بنابراین ایدئولوژی به انسجام گروهی، همبستگی و بازتولید موفقیت‌آمیز گروه کمک می‌کند. این مسئله به‌خصوص در شرایط تهدید و رقابت و به هنگامی که عدم وجود هماهنگی و همبستگی می‌تواند باعث از دست رفتن قدرت، نابودی یا شکست شود، حائز اهمیت است (همو، همان، ۱۲۶).

دین و سنت را می‌توان به عنوان عمده‌ترین ایدئولوژی‌های مطرح در دورهٔ زمانی مورد بحث معرفی کرد. واژهٔ سنّت از ریشهٔ «سنن» در اصل به معنای جریان یافتن، روان شدن و انجام دادن عمل به سهولت و سادگی است (ابن‌زکریا، ۱۴۰۴: ۳/ ۶۰–۶۱). در لغت به معنای طریقه و رویه (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۴۲/۳) و عبارت است از باور

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

یا رفتاری که در یک گروه یا جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و دارای معنای نمادین یا اهمیت ویژه‌ای است و ریشهٔ آن به گذشته برمی‌گردد. این اصطلاح در این پژوهش به معنای سنن و باورهایی است که قبل از پیامبر(ص) میان اعراب رواج داشته و شکل‌دهندهٔ نوع مناسبات اجتماعی آنها بوده است.

دین نیز واژه‌ای عربی است که در معاجم و کتب لغت معانی بسیاری برای آن ذکر شده است و به معانی مختلف چون آیین، کیش، ملّت، مذهب، سیرت، طریقه، روش، عادت، حال، کار، پرهیزکاری، خداشناسی، حساب، محاسبه، مُلک، حکمرانی، فرمانروایی، سلطنت، زمام داری، فرماندهی، حکومت، کشورداری، قضا، دادرسی، تدبیر، پایان کاری را نگریستن، کارسازی و روز حساب به کار رفته است. در کاربردهای قرآنی نیز به معانی زیادی نظیر جزا، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی آمده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۸۰/۲). در اصطلاح نیز به معنای خضوع و فرمان‌برداری از یک برنامه یا مقررات معیّن است و معانی اطاعت، تعبّد، محکومیت، مجبور بودن و تسلیم شدن در مقابل یک فرمان یا حکم، قانون و مجازات را می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۸۹/۳). اصطلاح فوق در این پژوهش به معنای قواعد و دستوراتی است که به نام دین اسلام و توسط پیامبر(ص) در میان مردم منتشر شد تا شکل‌دهندهٔ نوع مناسبات اجتماعی میان آنها باشد. با توجه به تعاریف گفته‌شده در مورد دو واژهٔ دین و سنت، می‌توان گفت هر دوی آنها به دنبال شکل دادن مناسبات اجتماعی میان انسان‌ها می‌باشند؛ امری که می‌توان از آن تعبیر به ایدئولوژی کرد.

سنت و دین علاوه بر تفاوت‌هایشان در تعیین نوع و شکل مناسبات میان افراد، شباهت‌هایی نیز دارند. اسلام در مقابل هر آنچه از طریق سنت به اعراب رسیده بود، سه سیاست کلی را در پیش گرفت. برخی را به صورت کامل کنار گذاشت، برخی را پذیرفت و نسبت به برخی دیگر از سنن، رویکرد اصلاحی در پیش گرفت و آنها را اصلاح کرد. بدین ترتیب، ایدئولوژی سوم مبتنی بر اشتراکات دو عامل سنت و دین شکل گرفت که از آن می‌توان به ایدئولوژی بینابینی تعبیر کرد؛ یعنی یک سری قواعد یا سنن که در مجموع، هم در سنت و هم در دین مشترک و قابل قبول بودند، اما گاهی در جزئیات با هم تفاوت‌هایی داشتند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

در این قسمت از پژوهش به معرفی و بررسی ایدئولوژی‌های به کار برده شده توسط معاویه برای اعمال قدرت و کنترل رفتار مردم شام در مقابل خلیفهٔ وقت و سپاه کوفه در جریان نبرد صفین پرداخته شده است؛ و اینکه او برای رسیدن به مقاصدش از کدام ایدئولوژی بیشترین بهره را برده است. بدین منظور متن تمامی خطبه‌ها که در قالب ۶۱ گزاره است، مورد بررسی قرار گرفت که می‌توان آنها را در شش دسته جای داد؛ گزاره‌های مربوط به قصاص یا ثأر؛ گزاره‌های مربوط به مشورت و دخالت دادن مخاطب در تصمیم‌گیری؛ گزاره‌های مربوط به سرزمین محل سکونت و اهمیت آن؛ گزاره‌هایی برای بالا بردن جایگاه مخاطب یا امت؛ گزاره‌هایی به منظور حفظ امنیت، جان، مال، زن و فرزند؛ گزاره‌هایی مربوط به جبرگرایی؛ و گزاره‌هایی که در هیچ‌یک از این گروه‌ها جای نمی‌گیرد.

جدول ۱. فراوانی‌سنجی گزاره‌های خطبه‌های معاویه در مقابل مردم شام در جریان نبرد صفین

نوع	آدرس جملات	تعداد	درصد
قصاص (ثأر)	خ۱(b)؛ خ۱ (c)؛ خ۱ (d)؛ خ۲(r)؛ خ۲(s)؛ خ ۲(t)؛ خ۳(b)؛ خ۴(c)؛ خ۴(d)؛ خ۴(f)؛ خ۴(g)؛ خ۴(k)؛ خ۴(L)؛ خ۴(m)؛ خ۴(n)؛ خ۵(q)	۱۶	۲۶/۲۲
مشورت و دخالت دادن مخاطب در تصمیم‌گیری	خ۱(e)؛ خ۲(U)؛ خ۳(c)	۳	۴/۹۱
سرزمین محل سکونت و اهمیت آن	خ۲(b)؛ خ۲(c)؛ خ۲(d)؛ خ۲(e)؛ خ۲(f)؛ خ۲(m)	۶	۹/۸۳
بالا بردن جایگاه مخاطب یا امت	خ۱(a)؛ خ۲(o)؛ خ۲(p)؛ خ۲(g)؛ خ ۲(h)؛ خ۲(i)؛ خ۲(j)؛ خ۲(q)؛ خ۳(d)	۹	۱۴/۷۵
حفظ امنیت، جان، مال، زن و فرزند	خ۲(k)؛ خ۲(L)؛ خ۴(a)؛ خ۴(b)؛ خ۴(e)؛ خ۵(p)؛ خ۵(R)	۷	۱۱/۴۷
جبرگرایی	خ۵(a)؛ خ۵(b)؛ خ۵(c)؛ خ۵(d)؛ خ۵(e)؛ خ۵(f)؛ خ۵(g)؛ خ۵(h)؛ خ۵(i)؛ خ۵(j)؛ خ۵(k)؛ خ۵(L)؛ خ۵(n).	۱۳	۲۱/۳۱
گزاره‌هایی که در هیچ‌یک از این گروه‌ها جای نمی‌گیرد	خ۲(a)؛ خ۲(n)؛ خ۳(a)؛ خ۵(o)؛ خ۵(S)؛ خ۵(T)؛ خ۵(U).	۷	۱۱/۴۷

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

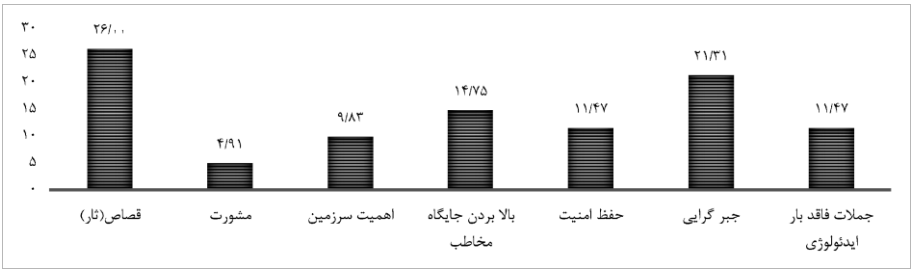

نمودار فراوانی‌سنجی گزاره‌های خطبه‌های معاویه در مقابل مردم شام در جریان نبرد صفین

همچنان‌که جدول فوق نشان می‌دهد گزاره‌های مرتبط با کشته شدن عثمان و خون‌خواهی او، بیشترین درصد فراوانی گزاره‌ها را به خود اختصاص داده و به لحاظ میزان پراکندگی، در تمامی خطبه‌های معاویه وجود دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را عامل مهم انسجام بین خطبه‌ها معرفی کرد. اصل بحث خون‌خواهی فرد مقتول از جمله مباحثی است که هم در سنت و هم در دین امری پذیرفته شده است، اما این دو در مورد نحوهٔ اجرای این قاعده یا رسم، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. خون‌خواهی در ایدئولوژی سنت از طریق سنت ثأر به اجرا درمی‌آمد. براساس این قاعده، هنگامی که یکی از افراد قبیله مردی از قبیله دیگر را می‌کشت، تمام افراد قبیلهٔ مقتول ملزم به خون‌خواهی و انتقام از قبیلهٔ قاتل بودند (سالم، ۱۳۸۰: ۳۲۶)، اما در ایدئولوژی دینی قانون قصاص است که به این امر می‌پردازد. قصاص اصطلاحی فقهی و به معنای مجازات مجرم متناسب با جرم است (قلعه‌جی، ۱۴۰۵: ۳۶۴) که چند اصل اساسی دارد؛ ۱. قصاص برای کسانی است که به ناحق کشته شده باشند؛ ۲. مجازات باید به اندازهٔ جرم باشد و نه بیشتر؛ ۳. تنها فرد خاطی باید مورد تعدی قرار گیرد؛ ۴. قصاص برعهدهٔ خانواده یا اولیای دم مقتول است؛[1] و غیره. البته با توجه به نوع گزاره‌های به کاربرده شده توسط معاویه و همچنین طریقهٔ استفادهٔ او از آیه ۳۳ سوره إسراء که در قسمت تحلیل به آن پرداخته شد، می‌توان گفت معاویه در جریان خون‌خواهی عثمان که محور سخنانش نیز بوده، به دنبال اجرا کردن سنت ثأر در قالب قصاص بوده است. او از قصاص می‌گفت، اما بحث‌هایی چون به‌حق یا ناحق کشته شدن عثمان و اینکه او به لحاظ ایدئولوژی دینی

۱ ر.ک. به: آیات ۴۱ و ۴۲ سورهٔ شوری؛ ۱۲۶ سورهٔ نحل؛ ۱۹۴ سورهٔ بقره؛ ۳۳ سورهٔ إسراء.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

نمی‌توانست سرپرست و خون‌خواه عثمان باشد را به حاشیه می‌کشاند و بدین شکل از یک ایدئولوژی بینابینی بهره می‌برد.

گزاره‌هایی با محوریت جبرگرایی، دومین گروه گزاره‌های پرتکرار در سخنان معاویه است؛ مبحثی که در سرتاسر متن سخنرانی‌ها حس می‌شود و در خطبهٔ پنجم به اوج می‌رسد. قبل از ظهور اسلام اندیشهٔ جبرگرایی در میان اعراب وجود داشت؛ چنان‌که آیات ۲۸سورهٔ اعراف[۱] و ۱۴۸ سورهٔ انعام[۲] از عقیده مشرکان به جبر حکایت دارند و اینکه آنان می‌کوشیده‌اند افعال خود را با این عقیده توجیه و از خود سلب مسئولیت کنند. پس از پیامبر(ص) و در دوران اسلامی نیز مباحث مربوط به جبر و اختیار همچنان در میان مسلمانان وجود داشت و هر یک طرفدارانی داشت. این گروه از گزاره‌ها را نیز می‌توان جزو ایدئولوژی‌های بینابینی به حساب آورد؛ مباحثی که بحث در مورد آنها و اعتقاد به هر یک از آنها، هم در سنت و هم در دین وجود داشته است.

وجود امنیت یکی از نیازهای اساسی نوع بشر است که هم در سنت و هم در دین جایگاه ویژه‌ای دارد. حفظ امنیت مردم قبیله در نظام سنتی اعراب از وظایف مهم رئیس قبیله بود. پس از ظهور اسلام نیز این مهم برعهدهٔ حاکم مسلمانان قرار گرفت. همچنین مباحثی چون مشورت و توجه به مخاطب یا امت، هم در ایدئولوژی مبتنی بر سنت و هم در ایدئولوژی مبتنی بر دین حائز اهمیت بوده و پذیرفته شده است. وجود طبقه‌ای به نام «حل و عقد» در نظام قبیله‌ای و همچنین وجود جایگاه‌هایی برای مشورت، مانند دارالندوه در مکه و سقیفه در مدینه نشانگر اهمیت امر مشورت در سنت است. آیات ۱۵۹ سورهٔ آل عمران و ۳۸ سورهٔ شوری و روایات تاریخی بی‌شمار مبتنی بر مشورت‌خواهی پیامبر(ص) از مسلمانان، نشان دهندهٔ اهمیت این مبحث در ایدئولوژی دینی است. بدین ترتیب، گروه‌های گزاره‌ای ذیل عناوینِ حفظ امنیت، جان، مال، زن و فرزند، مشورت و دخالت دادن مخاطب در

---

۱ ﴿وَ إِذا فَعَلوا فاحِشَةً قالوا وَجَدْنا عَلَيها آبائَنا وَاللّهُ أَمَرَ بِها...﴾ (چون کار زشتی انجام می‌دادند می‌گفتند ما پدران خود را بر آن یافته‌ایم و خداوند ما را به آن فرمان داده است).

۲ ﴿سَيَقُولُ الَّذينَ اَشْرَكوا لَوشاءَ اللّهُ ما اَشْرَكنا وَلا آباؤنا وَلاحَرَّمْنامِنْ شَيءٍ...﴾ (به زودی مشرکان می‌گویند اگر خدا خواسته بود نه ما و نه پدران ما شرک نمی‌آوردیم و چیزی را حرام نمی‌کردیم).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

تصمیم‌گیری و بالا بردن جایگاه مخاطب یا امت را می‌توان در ذیل ایدئولوژی بینابینی جای داد.

همچنین علاقه به محل زندگی هم در سنت و هم در دین امری پسندیده و مورد قبول است.[۱] معاویه از این حس برای رسیدن به هدفش که همانا ایجاد وحدت و هماهنگی میان مردم شام در مقابل حکومت وقت بود، بهره گرفت. او تلاش می‌کرد نقطهٔ اشتراک میان همهٔ اعضای جامعه را پیدا و آن را برجسته کند و بدین طریق اختلافات، تفاوت‌ها و تضادهای میان آنان و از آن مهم‌تر نقاط اشتراک میان مردم شام و سپاه کوفه را به حاشیه براند. معاویه برای رسیدن به این مقصود، از وابستگی همهٔ مخاطبانش به سرزمین شام کمک گرفت. تمام مخاطبان او خارج از تفاوت‌های جنسیتی، سنی، مذهبی، علایق سیاسی، وابستگی به قبیلهٔ خاص و غیره، ساکن سرزمین شام بودند. از سوی دیگر، این ویژگی باعث تفاوت آنها با سپاهیان کوفه بود. مردم شام به لحاظ دینی و وابستگی‌های خونی و قبیله‌ای با کوفیان پیوند داشتند و هر دو گروه مسلمان بودند، اما در جریان نبرد صفین گاهی پدر و پسر در مقابل یکدیگر قرار می‌گرفتند (ابن‌مزاحم، ۱۳۸۲: ۴۴۲-۴۴۳).

چنان‌که از مطالب فوق برمی‌آید، در بخش تبیین این پژوهش که به منظور کشف و معرفی ایدئولوژی استفاده شده توسط معاویه طراحی شده است، این نتیجه به دست آمد که معاویه برای رسیدن به مقصود خود، از راهکارهای برگرفته از ایدئولوژی بینابینی که در مجموع هم مورد تأیید سنت و هم مورد تأیید دین است، بهره می‌برد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف نشان دادن تأثیر سخنرانی‌های معاویه بر ایجاد وحدت و هماهنگی میان مردم شام در خلال نبرد صفین، با استفاده از رویکرد نورمن فرکلاف به روش تحلیل گفتمان انتقادی صورت گرفت. متن سخنرانی‌ها در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد بررسی قرار گرفت. بررسی متن در سطح توصیف نشان‌دهندهٔ استفاده معاویه از نودال پوینت‌ها یا گره‌گاه‌های گفتمانی اهالی شام، یاران علی،

۱ برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: امیرمحمد میر جلیلی، کمال صحرائی اردکانی و حمیده السادات موسویان (۱۳۹۱)، «وطن‌دوستی از دیدگاه قرآن و روایات»، *فصلنامه علمی- پژوهشی کتاب قیم*، س۲، ش۵، صص۷-۳۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

معاویه و علی‌بن ابیطالب(ع) با مرکزیت دال محوری «قتل عثمان» و ایجاد دو گروه ما و آنها و مقابل هم قرار دادن این دو به صورت تقابل دال اهالی شام با دال یاران امام علی(ع) و همچنین دال‌های معاویه و امام علی(ع) است. در سطح تفسیر نیز شرایط تولید متن در ذیل عنوان بافت موقعیتی متن بیان شد و به شرایط تولید متن از نظر زمانی، مکانی، مشارکان متن، وسایل و ابزار مورد استفاده پرداخته شد. در قسمت بینامتنیت آیات قرآن استفاده شده توسط معاویه، به عنوان مهم‌ترین اشتراکات ذهنی مشارکان متن مورد توجه قرار گرفت و مشخص شد که معاویه چگونه این آیات را برای رسیدن به اهداف خود به کار گرفته است. بخش تبیین این پژوهش نیز به منظور کشف و معرفی ایدئولوژی استفاده شده توسط معاویه طراحی شده و به بررسی گزاره‌های خطبه‌های معاویه پرداخته است. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که معاویه برای رسیدن به مقصود خود از راهکارهای برگرفته از ایدئولوژی بینابینی که در مجموع هم مورد تأیید سنت و هم مورد تأیید دین می‌باشند، بهره گرفته است.

منابع و مآخذ

- ابن‌اثیر، عزالدین أبوالحسن علی‌بن أبی‌الکرم (۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، ج۳، بیروت: دار صادر- دار بیروت.
- ابن‌اعثم کوفی، ابومحمد احمد (۱۹۹۱)، *کتاب الفتوح*، تحقیق علی شیری، ج۲، بیروت: دار الأضواء.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن‌بن محمد (۱۹۸۸)، *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأکبر*، تحقیق خلیل شحادة، ج۲، بیروت: دار الفکر، ط. الثانیة.
- ابن زکریا، أبی‌الحسین احمدبن فارس (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللّغة*، تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون، ج۳، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن‌سعد، محمد (۱۹۹۰)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج۳، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن‌مزاحم منقری، نصر (۱۳۸۲ق)، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، القاهرة: المؤسسة العربیة الحدیثة، ط. الثانیة.
- ثواقب، جهانبخش و زینب بیرانوند (زمستان ۱۳۹۵)، «عملکرد فرماندهان نظامی امیرالمومنین علی علیه السلام در سرنوشت پیکار صفین (مقایسه موردی: مالک اشتر و اشعث‌بن قیس)»، *مجلهٔ تاریخ اسلام*، ش۶۸، صص ۸۵-۱۳۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

- خامه‌یار، احمد (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «پژوهشی در مسیر امام علی(ع) به صفین و محل جنگ صفین»، *پژوهش‌نامهٔ علوی*، ش۱، صص۴۱-۷۲.
- دینوری، ابن‌قتیبه (۱۹۹۰)، *الإمامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء*، تحقیق علی شیری، ج۱، بیروت: دارالأضواء.
- دینوری، ابوحنیفه احمدبن داوود (۱۳۶۸)، *الأخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، مراجعه جمال‌الدین شیال، قم: منشورات الرضی.
- زراقط، عبدالمجید (الصیف ۱۴۱۸)، «الخطاب الشعری فی معرکة صفین و فی مواجهة الطغیان الذی تلاها»، *المنهاج*، ش۶، صص۲۱۳-۲۳۱.
- سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۰)، *تاریخ عرب قبل از اسلام*، ترجمهٔ باقر صدرنیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سید رضی، ابوالحسن محمدبن الحسین‌بن موسی (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ترجمهٔ محمد دشتی، قم: نشر مشهور.
- طبری، محمدبن جریر (۱۹۶۷)، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، ج۳،۴، بیروت: دار التراث، ط. الثانیة.
- عباسی، علی‌اکبر و هادی وکیلی (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «تأثیر کشتار صفین بر گسترش قاعدین (از اعتراض به اربد فزاری تا انتخاب ابوموسی اشعری)»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ش۳۴، صص۴۹-۶۲.
- فخرایی، سیده سوسن (پاییز ۱۳۸۸)، «*محورهای همگرایی نیروهای متخاصم در جنگهای جمل، صفین و نهروان*»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ش۲، صص۷۴-۱۰۰.
- قرشی بنایی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، ج۲، ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قلعه‌جی، محمد رواس (۱۴۰۵ق)، *معجم لغة فقها*، بیروت: دار النفائس.
- محسنی، علی‌اکبر و نورالدین پروین (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، «بررسی گفتمان انتقادی در نهج‌البلاغه براساس نظریهٔ نورمن فرکلاف (مطالعه موردی: توصیف کوفیان)»، *پژوهش‌نامهٔ علوی*، س۶، ش۲، صص ۱۳۳-۱۵۵.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۹)، *تجارب الأمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، ج۱، تهران: سروش، ط الثانیة.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج۳، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میرجلیلی، امیرمحمد، کمال صحرائی اردکانی و حمیده السادات موسویان (۱۳۹۱)، «وطن‌دوستی از دیدگاه قرآن و روایات»، *فصلنامه علمی- پژوهشی کتاب قیم*، ش۵، صص۷-۳۴.
- ناظمیان فرد، علی (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «صفین در تاریخ‌نگاری ابن‌أبی‌الحدید»، *مجلهٔ تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، ش۱۵، (پیاپی ۱۰۰)، صص۱۶۷-۱۹۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

– ون‌دایک، تئون ای. (۱۳۸۷)، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، ترجمهٔ گروه مترجمان، تهران: دفتر مطالعات و توسعهٔ رسانه‌ها.
– یاراحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: انتشارات هرمس.
– یعقوبی، احمدبن أبی‌یعقوب [بی‌تا]، *تاریخ الیعقوبی*، ج۲، بیروت: دار صادر.
– یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمهٔ هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

منابع لاتین:

– Fairclough, N. (2001), *Critical Discourse Analysis as aMethod in Social Scientific Research***,** In Wodak, Routh and Michael Meyer, (Eds) Methods of Critical Discourse Analysis, London: Sage Publications Ltd.
– …… (1996), *Language and Power*, NewYork: Longman Inc.

List of sources with English handwriting

– Ebn Aṯīr, Ezz al-Dīn Abū al-Ḥasaan Alī b. Abī al-Karam (1965), *Al-Kāmīl Fī Tarīḵ*, vol. 3, Beirut: Dār Ṣāder - Dār Beirut.
– Ebn A ṯam Kūfī, Abū Moḥammad Aḥmad (1991), *Kītāb al-Fotūḥ*, Edited by Šīrī, vol. 2, Beirut: Dār al-Aẓwā.
– Ebn Ḵaldūn, Abd al-Raḥmān b. Moḥammad (1988), *Dīwān al-Mobtada wa al-Ḵabar Fī Tarīḵ al- Arab wa al-Barbar wa mīn Āṣīr hom mīn Ẕawī al-Šaīn al-Akbar* , Edited by Ḵalīl Šaḥada, vol. 2, Beirut: Dār al-Fīkr, Second edition.
– Ebn Zakarīyā, Abī al-Ḥosseīn Aḥmad b. Fārīs (1404), *Mo ǰam Maqāīs al-Loḡa*, Edited by Abdol Salām Moḥammad Hārūn, vol. 3, Qom: Maktab al-A lām al-Eslāmī.
– Ebn Sa d, Moḥammad (1990), *Al-Ṭabaqat Al-Kobra*, Edited by Moḥammad Abdol Qadīr Aṭṭa, vol. 3, Beirut: Dār al-Kotūb al- Elmīya.
– Ebn Mozāḥīm Mīnqarī, Naṣr (1382 AH), *Waqqa a Ṣefīn*, Edited by Abdol Salām Moḥammad Hārūn, Cairo: Al-Arabiya Al-Hadith Foundation, vol. Second Edition.
– Savaqeb, Jahanbakhsh, Zeinab Beiranvand (1395), "The Role of Amir al-Momenin's Military Commanders in the Outcome of Siffin Battle; a Comparative Study: Malek al- Ashtar and Ash ath Ibn e- Qais", *History of Islam*, vol. 68, pp.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

85-134.
- Khameyar, Ahmad (1390), "A Study of Imam Alis Path to Saffayn and Saffayn Battlefield", *pazhuheshname-ye alavi* (Imam Ali's studies), Vol. 1, pp. 41-72.
- Dīnvarī, Ebn Qotayba (1990*), al-Īmama wa al-Sīyasa al-Ma rūf Be Tarīḵ al-Ḵolafa*, Edited by Alī Šīrī, vol. 1, Beirut: Dār al-Ażwā.
- Dīnvarī, Abū Ḥanīfa Aḥmad b. Dāwood (1368), *Al-Aḵbār al-Ṭīwal*, edited by Abdol Mon īm Āmīr, refer to ǰamāluddīn Šayāl, Qom: Manšūrāt al-Rażī.
- Zaraqat, Abd al-Maǰīd (1418), "Al-Ḵaṭāb al-Še rī Fī Ma rīka Ṣīffīn wa Fī Mowaǰīha al-Ṭoḡīyān al-laẓī Talahā", *Al-Mīnhāǰ*, vol. 6, pp. 213-231.
- Sālīm, Abdol Azīz (1380), Tārīḵ-e *Arab Qabl az Eslām*, Translated by Bāqer Ṣadrānīyā, Tehrān: Entešārāt-e Elmī va Farhangī.
- Seyyed Rażī, Abū al-Ḥasan Moḥammad b. al-Hosseīn b. Mūsā (1379), *Nahǰ al-Balāḡah*, Translated by Moḥammad Daštī, Qom: Našr-e Mašhūr.
- Ṭabarī, Mohammad b. ǰarīr (1967), Tarīḵ al-Omam WA al-Molūk, Research of Moḥammad Abū al-Fażl Ibrahīm, vol. 3, 4, Beirut: Dār al-Taraṯ, Second Edition.
- Abbāsī, Alī Akbar and Hādī Vakīlī (1392), "The Impact of the Ṣīffīn Massacre on the Expansion of Qā edīn", *History of Islam in the Mirror of Research*, Vol. 34, pp. 49-62.
- Faḵrā ī, Seyedeh Sūsan (1388), "Axes of convergence of hostile forces in the battles of Jaml, Safin and Nahrawan", *Studies in the History of Islam*, Vol. 2, pp. 74-100.
- Qureīšī Banāīī, Alī Akbar (1371), *Qāmūs Quran*, vol. 2, 3, Tehrān: Dār al-Kotob al-Eslāmīyah.
- Qal ehǰī, Moḥammad Rawwās (1405 AH), *Mo ǰam al-Loḡa Foqahā*, Beirut: Dār al-Nafāīīs.
- Moḥsenī, Alī Akbar and Norūddīn Parvīn (1394), "A Study of Critical Discourse in Nahj al-Balaghah Based on Norman Fairclough Theory (Case Study: Description of the Kufis)", *Alavi Research Journal*, Vol. 6, No. 2, pp. 133-155.
- Moskoūyeh Razī, Abu Alī (1379), *Taǰāreb al-Omam*, Research by Abolqāsem Emāmī, Vol.1, Tehrān, Sorūš, Second Edition.
- Moṣṭafavī, Ḥassan (1368), *al-Taḥqīq Fī Kalīmāt Quran Karīm*, vol. 3, Tehrān:

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]

Vezārat-e Farhang VA Eršād-e Eslāmī.
- Mīrǰalīlī, Amīr Moḥammad, Kamāl Ṣaḥrāeī Ardakānī and Ḥamīdeh Sādāt Moūsavīyān (1391), "Patriotism from the perspective of the Qur'an and hadiths", *Ketāb-e Qayem*, Vol. 5, pp. 7-34.
- Nāẓemīyān Fard, Alī (1394), "Seffin in the Historiography of Ibn Abi Al-Hadid", *historical perspective & historiography*, Vol. 15, (100), pp. 167-190.
- Dijk, Teun Adrianus van. (1387), *Studies in Discourse Analysis*, Translated by a group of translators, Tehrān: Daftar-e Moṭāle āt VA Tūse e Resānehā.
- Yāraḥmadī, Lotfollāh (1383), *Common and Critical Discourse*, Tehrān: Entešārāt-e Hermes.
- Ya qūbī, Aḥmad b. Abī Ya qūb [Nd], *Tarīk̲-e al-Ya qūbī*, vol. 2, Beirut: Dār Ṣāder.
- Jorgensen, Marianne and Louise Phillips (2010), *Discourse analysis as theory and method*, translated by Ḥādī ǰalīlī, Tehrān: Našr-e Ney.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.4.1]